

آینده اسرائیل؛ بقاء یا فروپاشی، در چارچوب نظریه آینده‌پژوهی پیتر شوارتز با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری

مهدی جاودانی مقدم* / عباس برجویی فرد**

(۱۳۲-۱۰۷)

چکیده

تاکنون راه حل‌های متعددی در عرصه دیپلماسی برای بحران فلسطین طرح و اجرا شده، (تاریخچه) در حالی که هیچ‌یک به حل بحران منجر نشده است. (مسئله) البته کوشش‌هایی برای تبیین این راه حل‌ها صورت گرفته، اما بحران فلسطین در نگاه آینده‌پژوهی و رهبری انقلاب مورد بررسی قرار نگرفته است. (پیشینه) خروج از غزه، طرح صلح و تشکیل دولت مستقل فلسطینی با حاکمیت محدود را می‌توان از جمله این کوشش‌ها دانست. در این مقاله با استفاده از نظریات آینده‌پژوهی در چارچوب نظریه پیتر شوارتز، تأثیر دیدگاه پیشنهادی مقام معظم رهبری (برگزاری همه‌پرسی و تسلیح کرانه باختری) بر آینده رژیم صهیونیستی بررسی شده است. پرسش مطرح این است که دیدگاه ایشان، چه تأثیری در آینده اسرائیل خواهد داشت؟ (سؤال) رشد جمعیت و بازگشت آوارگان فلسطینی موجب برهم خوردن موازنه جمعیتی به سود فلسطینی‌ها می‌شود و

* . استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول) - Javdani2020@gmail.com

** . کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم - a_barjooee@yahoo.com

انتفاضه مسلحانه در کرانه باختری تهدیدات اصلی امنیتی فراروی اسرائیل طی دهه‌های آینده خواهد بود. (فرضیه) طرح این دو دیدگاه راهبردی از سوی مقام معظم رهبری برای دفاع از ملت مظلوم فلسطین در مقابل طرح‌های غربی و عربی است که در راستای به رسمیت شناختن و حفظ امنیت و بقای رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود. (هدف) این مقاله با کاربست روش سناریونویسی به بررسی تأثیر دیدگاه مقام معظم رهبری بر بقا یا فروپاشی اسرائیل و تحقق حقوق ملت فلسطین می‌پردازد. (روش) این دو دیدگاه آینده‌پژوهانه را می‌توان از عوامل اصلی تسریع در فروپاشی رژیم صهیونیستی دانست. (یافته)

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، اسرائیل، فروپاشی، تهدیدات، چالش‌ها، غزه و مقام معظم رهبری.

مقدمه

موضوع فلسطین و کشمکش‌های طولانی اعراب و اسرائیل و ناکامی طرح‌های صلح خاورمیانه سبب شده است که همواره محققان و اندیشمندان بسیاری برای یافتن راه حل مناسب به منظور پایان دادن به این کشمکش‌ها و جنایات در منطقه ژئواستراتژیک جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) ترغیب شوند. با این وجود، سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل و نقش مداخله‌جویانه غربی‌ها در حمایت بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی همواره مانع مهمی بر سر دستیابی به هرگونه راه حل واقعی و عادلانه در مسئله فلسطین بوده است. پس از اشغال فلسطین و شکل‌گیری اسرائیل، چهار جنگ بین اعراب و اسرائیل رخ داده که اعراب در همه آنها شکست خوردند. با سازش مصر و اسرائیل (قرارداد کمپ دیوید) نیز فضای امنی برای اسرائیل ایجاد شد و باعث گردید برخی از گروه‌های جهادی فلسطین از آرمان‌های خود عقب‌نشینی کنند و به دنبال «صلح» و «گفتگو برای صلح» بروند، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که یکی از سیاست‌های اصلی آن، دفاع از ملت مظلوم فلسطین بود، گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی و... در برخورد با اسرائیل روند دیگری را در پیش گرفتند؛ لذا دیدگاه نزاع اعراب - اسرائیل یا اسلام - یهود به نزاع مقاومت - سازش تغییر کرد. از این‌رو، در مقاله حاضر می‌کوشیم با تشریح ابعاد

مختلف چالش‌ها و تهدیدات امنیتی در قالب دو سناریوی آینده‌پژوهی بقاء یا فروپاشی رژیم صهیونیستی به روش سناریونویسی به بررسی تأثیر دیدگاه مقام معظم رهبری، مبنی بر تسلیح کرانه باختری یا برگزاری همه‌پرسی، آینده اسرائیل را در چارچوب نظریه آینده‌پژوهی پیتر شوارتز^۱ (متولد ۱۳۲۴/۱۹۴۵) بررسی کنیم:

بررسی‌های مفهومی

۱. آینده‌پژوهی^۲

مجموع فعالیت‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده بالقوه می‌پردازد. آینده‌پژوهی بیان می‌کند که چگونه از واقعیت‌های متغیر امروز، فردا ایجاد خواهد شد. در یک تعریف ساده و در عین حال بسیار ژرف، آینده‌پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است (ملکی‌فر، ۱۳۸۵: ۲۷). در این تعریف، آینده‌پژوهی تنها یک علم صرف نیست، بلکه تلفیقی از علم و هنر است. در واقع، آینده‌نگری کار فکری منظمی، مشتمل بر نگاه کردن به سوی آینده‌ای نه چندان نزدیک، به منظور پیش‌بینی آن است (پیرو، ۱۳۷۰: ۳۰۹). به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی، تجزیه و تحلیل آنچه در گذشته جریان داشته و نیز شناخت وضع موجود به منظور تأثیرگذاری بر آینده است؛ شناختی بر اساس روند داده‌های گذشته، تغییر کنونی، پیش‌بینی وضعیت‌های محتمل و قابل رخ دادن در آینده به منظور کشف چستی و پیامدهای احتمالی آن. آینده‌پژوهان با ادامه دادن نمودار تغییر، می‌کوشند آینده را بر پایه میزان تغییرات کنونی، پیش‌بینی کنند یا تغییر دهند. از ویژگی‌های مهم آینده‌پژوهی، توجه به زمان حال است؛ یعنی ما برای طراحی آینده باید زمان حال را در نظر بگیریم تا به یک چشم‌انداز دست یابیم. بنابراین، هرچه گزینش زمان، به حال نزدیک‌تر باشد ترسیم آینده دقیق‌تر خواهد بود (منطقی، ۱۳۹۰: ۵۹).

1. Peter Schwartz.

2. Futures Studies.

۲. سناریونویسی

یکی از متداول‌ترین شیوه‌های آینده‌پژوهی است. سناریوها، مهارت اندیشیدن به آینده و قدرت تجسم و ابداع آینده‌های بدیل و مطلوب را برای ما به ارمغان می‌آورد. سناریو، پیش‌بینی نیست، بلکه روشی برای کنار هم قراردادن ایده‌ها و احتمالات، به گونه‌ای است که ارتباطی منطقی و معنادار میان آنها وجود داشته باشد. سناریو باید به اندازه کافی واضح و روشن باشد تا هرکس بتواند آینده را به خوبی درک کند. هرمان کان^۱ (متولد ۱۲۰۶/۱۸۶۷) پدر سناریونویسی، سناریو را توصیف داستان‌گونه از آینده می‌داند. تحقق یا عدم تحقق هر سناریو، ملاک مناسبی برای قضاوت در مورد درستی و یا نادرستی آن نیست. ارزش سناریو در تحقق کامل آن نیست، بلکه در تأثیری است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های درست امروز داشته باشد (کیقبادی، ۱۳۹۳: ۸۱).

در حال حاضر روش‌های گوناگونی برای تدوین سناریو وجود دارد، اما می‌توان ادعا کرد که رویکرد پیترو شوآرتز در این باره، علاوه بر داشتن نوعی جامعیت، مشتمل بر جوهره عام همه انواع سناریوپردازی بوده و مقبولیتی عام یافته است؛ در نتیجه بیشتر تحقیقات سناریونویسی، بر اساس آن منتشر می‌شود؛ از این رو، به صورت اجمالی به این روش در چارچوب موضوع اسرائیل اشاره می‌کنیم.

گام اول: شناسایی موضوع (اهمیت آینده‌پژوهی رژیم صهیونیستی اسرائیل)

امروز فلسطین دوران بسیار پرتنش را سپری می‌کند. به دلیل ضعف و تزلزلی که جهان عرب از آن رنج می‌برد، رژیم صهیونیستی توانسته استراتژی نظامی خود را عملی سازد و به تجاوز مستمر خود ادامه دهد. مهم‌ترین مشکل اسرائیل، مسئله «بودن و نبودن» و به عبارتی «باقی ماندن یا فنا شدن» است (لطفیان، ۱۳۷۸: ۳۷)؛ لذا رشد جمعیتی فلسطینیان و چالش‌های اجتماعی و نژادی در جامعه اسرائیل می‌تواند آثار چشم‌گیری بر آینده آن داشته باشد.

گام دوم: شناسایی عوامل کلیدی

الف) عوامل مؤثر در موجودیت و بقای رژیم صهیونیستی اسرائیل

تحلیل و بررسی آینده‌پژوهانه عوامل بقای رژیم صهیونیستی اسرائیل، مستلزم شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر در تداوم موجودیت آن رژیم است. بنابراین، در ادامه با روش سناریوپردازی بر اساس رویکرد شوارتز به بررسی و ارزیابی عوامل بقای رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌پردازیم. این عوامل کلیدی عبارتند از:

۱. سناریوی قدرت برتر نظامی منطقه

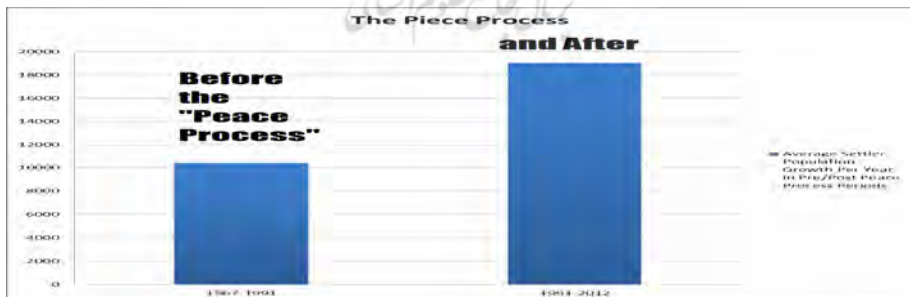
تلاش اسرائیل برای حفظ امنیت خود و تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه، به ویژه در حوزه دفاعی - امنیتی و دستیابی به یک موقعیت بازدارنده، یکی از عوامل مؤثر در تداوم حیات آن به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که از زمان شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، مسئله امنیت همواره دغدغه اصلی سیاست‌مداران این رژیم بوده است و به دلیل ارتباط متقابل امنیت و بقاء، این رژیم تمام توان داخلی و خارجی خود را صرف حفظ و تضمین امنیت ملی خود کرده است. بر این اساس، یکی از مؤلفه‌های اصلی رژیم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف خود، استفاده از رویکرد امنیتی - نظامی است که آن را با ایجاد سازمان‌های اطلاعاتی گسترده و افزایش قدرت نظامی در حوزه‌های فن‌آوری تسلیحات پیشرفته و دستیابی به تسلیحات اتمی به عنوان بازدارندگی هسته‌ای در کنار ارتشی نیرومند و کارآزموده در عرصه‌های هوایی، دریایی و زمینی دنبال می‌کند. هرچند این رژیم در چند دهه اخیر در جنگ‌های تمام‌عیار وارد نشده، اما تجربه نشان داده که ارتش این رژیم در جنگ‌های چریکی و شهری انعطاف‌پذیری و کارایی لازم را نداشته است. شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه و جنگ ۲۲ روزه مؤید این موضوع است.

۲. سناریوی صلح

سناریوی مذاکرات بی‌پایان صلح را می‌توان یکی از شیوه‌های مؤثر در تداوم موجودیت اسرائیل دانست. این سناریو از یک سو، زمینه تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی اسرائیل

و امکان تنش‌زدایی در روابط اسرائیل با برخی دولت‌های عربی منطقه را به وجود آورده و موجبات روابط آشکار و پنهان با دولت‌های عرب محافظه‌کار جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) را مهیا ساخته است و از سوی دیگر، با به کارگیری تاکتیک‌های مذاکره و ندادن امتیاز به فلسطینیان، زمینه شکاف در گروه‌ها و جریانات فلسطینی به دو دسته طرفدار روند صلح و مخالف آن و درگیری‌ها و رقابت‌های میان آنان را به وجود آورده است. در این میان، نتیجه عملی و واقعی مذاکرات صلح تاکنون، نشان می‌دهد که این مذاکرات تنها سناریویی برای امتیازگیری و خاموش کردن آتش خشم مردمی انتفاضه و گسست صفوف فلسطینیان در رسیدن به آرمان مقدس آزادی فلسطین بوده است؛ به گونه‌ای که پس از گذشت نزدیک به ۲۲ سال از آغاز مذاکرات (۱۹۹۳ میلادی و توافق اسلو)، اسرائیل حاضر به پذیرش وعده‌های داده شده در مذاکرات نیست و با گسترش توسعه‌طلبی، در صدد تغییر واقعیات فلسطین به سود خود است. نمونه عینی این مسئله را می‌توان در سیاست شهرک‌سازی اسرائیل مشاهده کرد که برخلاف توافقات متعدد صورت گرفته در مذاکرات، با شدت بیشتری پیگیری می‌شود. نمودار پیش‌رو این موضوع را به وضوح نشان می‌دهد.

نمودار ۱؛ میزان شهرک‌سازی قبل و پس از مذاکرات صلح



۳. سناریوی هولوکاست^۱

سناریوی است که صهیونیست‌ها آن را برای جلب توجه افکار دنیا، توجیه اشغال فلسطین، زیر پا نهادن قوانین بین‌المللی و سرانجام برای جلب حمایت کشورهای اروپایی طراحی کرده‌اند. آنان مدعی شدند که هیتلر، حرکتی هدفمند برای قتل عام یهودیان طراحی و به اجرا درآورد که طی آن، شش میلیون یهودی کشته شدند. طبق این ادعا، بخش عمده‌ای از این جمعیت، در اتاق‌های گاز کشته و سپس در کوره‌های آدم سوزی نابود شدند و بعد از سوزاندن، نازی‌ها از چربی اجساد این قربانیان، صابون تولید کردند.

افسانه هولوکاست، امروز به نوعی سلاح ایدئولوژیک تبدیل شده است که از مهم‌ترین مزایای این مظلوم‌نمایی، تشکیل اسرائیل و مصون نگه داشتن آن از انتقادات است. صهیونیسم علاوه بر تأسیس اسرائیل و تلاش برای تحقق اهداف صهیونیسم بین‌المللی، دو هدف عمده دیگر را از مظلوم‌نمایی یهود و تقدس بخشیدن به هولوکاست تعقیب می‌کند: پیش‌گیری از خیزش عمومی جهانیان علیه صهیونیسم و مظلوم‌نمایی و برانگیختن احساسات نژاد یهود و ایجاد اتحاد سیاسی بین آنان (گارودی، ۱۳۷۵: ۴۷) در مجموع، هولوکاست را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بقای اسرائیل از طریق تداوم حمایت‌های گسترده غرب از رژیم صهیونیستی به حساب آورد.

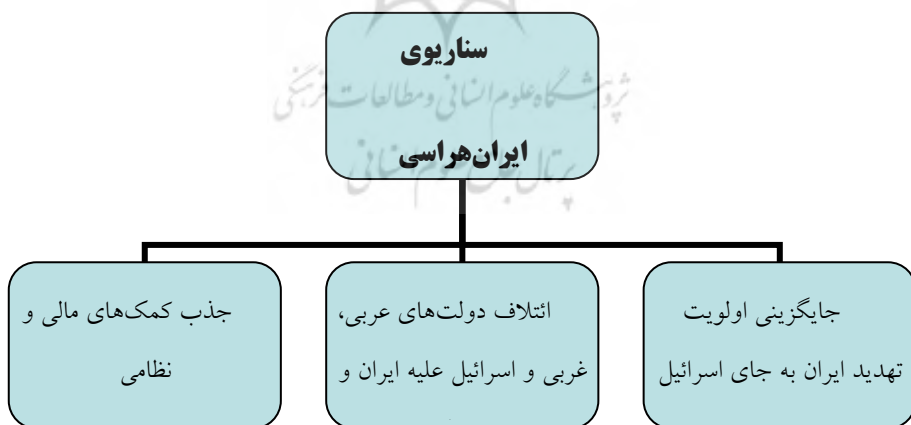
۴. سناریوی ایران‌هراسی^۲

جمهوری اسلامی ایران از بدو تشکیل، نابودی اسرائیل و تشکیل یک دولت فلسطینی در کل سرزمین فلسطین را خواستار شد. همچنین به منظور اقدام عملی علیه اسرائیل شعارهایی سر داد و آزادی قدس به شکل شعار محوری در سیاست خارجی ایران در آمد. در مجموع، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و به ویژه در مورد اسرائیل، جدا از ملاحظات سرزمینی، تنها با ملاحظات دینی، انقلابی و ایدئولوژیک طراحی شد. براین

1. Holocaust.

2. Iranophobia.

اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین تهدید برای اسرائیل تلقی شده و خصومت با ایران به طور آشکار مطرح شد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۴-۱۲۳). با این وجود، فارغ از تهدیدات واقعی که از سوی ایران و گروه‌های مقاومت متمایل یا مرتبط با ایران، امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند، القای هراس از ایران یا ایران‌هراسی، نقش مهمی در تداوم موجودیت اسرائیل دارد. این مسئله از طریق بزرگ‌نمایی نسبت به قدرت ایران، اهداف و سیاست‌های دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و تهدیداتی که به واسطه آن، امنیت اسرائیل و غرب و کشورهای عربی منطقه را با مخاطره مواجه ساخته است، صورت می‌گیرد. در چارچوب سناریوی ایران‌هراسی، امکان جذب کمک‌های مالی و نظامی بیشتر از دولت‌های غربی، به خصوص آمریکا در راستای مقابله با تهدیدات ایران فراهم شده است؛ به گونه‌ای که یکی از عوامل مهم افزایش کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل بهانه تهدید وجودی ایران و گروه‌های مقاومت علیه اسرائیل است. این کمک‌ها به منظور ایجاد گنبد آهنین یا ساخت و خرید تسلیحات جدید توسط اسرائیل صورت گرفته است.



۵. سناریوی حمایت و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ

شکل‌گیری و بقای اسرائیل، مدیون حمایت و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ جهانی در مقاطع مختلف است. این موضوع، نکته‌ای است که رهبران و ایدئولوگ‌های نخستین اسرائیل نیز از آن غافل نبودند. رهبران اولیه اسرائیل، یعنی افرادی مانند تئودور هرتزل^۱ (متولد ۱۸۶۰/۱۲۳۹) و ادموند روچیلد^۲ (متولد ۱۸۶۷/۱۲۴۶) دریافتند که آنچه بیش از همه به آن نیازمند هستند، یک «حامی بزرگ» است. طبق دکترین امنیت ملی اسرائیل، همواره لازم است این رژیم حمایت حداقل یک قدرت بزرگ را پشت سر خود داشته باشد. به باور دیوید بن گورین^۳ (متولد ۱۸۸۶/۱۲۶۵) اولین نخست وزیر اسرائیل، پشتیبانی دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی یک قدرت بزرگ، ترجیحاً کشور آمریکا، امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است. جلوگیری از تصویب هرگونه قطعنامه علیه اسرائیل در شورای امنیت سازمان ملل متحد، اصلی‌ترین نماد حمایت آمریکا از اسرائیل بوده است. پس از آنکه اسرائیل جنایات گسترده‌ای را در طول جنگ ۲۲ روزه در غزه انجام داد، آمریکا همه تلاش‌ها برای تصویب قطعنامه علیه این کشور را وتو کرد. اسرائیل از سال ۱۳۵۵/۱۹۷۶ بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های سالانه مستقیم اقتصادی و نظامی ایالات متحده بوده است. مجموع کمک مستقیم آمریکا به اسرائیل، بالغ بر ۱۴۰ میلیارد دلار بر حسب نرخ دلار سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ بوده است. اسرائیل در هر سال، حدود ۳ میلیارد دلار کمک مستقیم دریافت می‌کند که تقریباً یک پنجم بودجه کمک‌های خارجی آمریکاست.

جدول شماره ۱: کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل در یک دهه اخیر

سال	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
میلیارد دلار	۲,۱۴۷,۳	۲,۲۰۲,۲	۲,۲۵۷,۰	۲,۳۴۰,۰	۲,۳۸۰,۰	۲,۵۵۰,۵	۲,۷۷۵,۰	۳,۰۰۰,۰	۳,۰۷۵,۰	۳,۱۰۰,۰	۳,۱۰۰,۰

(jewishvirtuallibrary.org)

1. Theodor Herzl.
2. Edmond Rothschild.
3. David Ben-Gurion.

۶. سناریوی توسعه‌طلبی سرزمین‌های اسرائیل

مهم‌ترین راهبرد تداوم موجودیت اسرائیل را می‌توان در سیاست توسعه‌طلبی این رژیم مشاهده کرد. در این زمینه، بهترین وسیله برای فهم آرمان توسعه‌طلبی اسرائیل، پرچم این رژیم و تاریخ توسعه‌طلبی آن از ابتدای تشکیل است. رنگ آبی بالا و پائین پرچم، نشانگر رودخانه‌های نیل و فرات است و رنگ سفید با علامت ستاره داوود - نشان یهودیان - نیز نشانگر حکومت بر نیل تا فرات است. دیوید بن گوریون، در دهه ۶۰ / ۴۰ خطاب به دانشجویان اسرائیلی گفت: «این نقشه، نقشه کشور ما نیست. ما نقشه دیگری داریم که شما جوانان و دانشجویان مدارس اسرائیل باید آن را تحقق ببخشید. ملت اسرائیل باید قلمرو خود را از فرات تا نیل توسعه دهد» (بن‌گوریون، ۱۳۸۸: ۱؛ jamejamonline.ir). این مطامع و افزون‌طلبی‌ها در اظهارات و سخنان دیگر رهبران صهیونیسم آشکارا دیده می‌شود و آنان هیچ‌گونه نگرانی و بیمی از تصریح بدان ندارند (کریمیان، ۱۳۸۶: ۴۴). امام خمینی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «من بارها گفته‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از آن خود می‌داند و شما را غاصب سرزمین‌های خویش می‌شمرد، گرچه جرأت اظهار صریح آن را ندارد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۴).

۷. سناریوی تشویق یهودیان جهان برای مهاجرت به فلسطین

مهاجرت یهودیان از سراسر جهان به فلسطین، یک عامل مهم برای تأمین تداوم حیات اسرائیل به شمار می‌آید؛ زیرا جمعیت یهودی را در برابر غیر یهودیان افزایش می‌دهد. رهبران صهیونیسم در باب ضرورت مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین فلسطین بر این عقیده‌اند که مهاجرت به فلسطین، به منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می‌کند و ضامن امنیت و آینده اسرائیل است. مهاجرت به فلسطین اشغالی، سنگ بنای اندیشه صهیونیسم و جنبش ملی یهود بوده و عامل مهم حفظ بقای اسرائیل است. از همین رو، رهبران رژیم صهیونیستی تلاش کردند تا علاوه بر حفظ جمعیت موجود، یهودیان سایر مناطق جهان را نیز برای مهاجرت به فلسطین اشغالی ترغیب کنند. افزایش قابل توجه مهاجرت یهودیان به اسرائیل در سال ۲۰۱۴ / ۱۳۹۳ وجود داشته است که نشان‌دهنده

سیاست‌های موفق بنیامین نتانیاها^۱ (متولد ۱۳۲۸/۱۹۴۹) در پذیرش این تعداد و افزایش شهرک‌های صهیونیست‌نشین است. آژانس یهود، تعداد یهودیان وارد شده به اسرائیل در سال ۲۰۱۴/۱۳۹۳ را بالاترین میزان در ۱۰ سال گذشته خوانده و تأکید کرده که این رقم از ۲۶۵۰۰ نفر عبور کرده است.

جدول شماره ۲: وضعیت مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی

سال	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
تعداد یهودیان مهاجر	۲۰,۸۹۹	۲۱,۱۸۳	۱۹,۲۶۹	۱۸,۱۳۱	۱۳,۷۰۱	۱۴,۵۷۴	۱۶,۶۳۳	۱۶,۸۹۲	۱۶,۵۵۷	۱۶,۹۶۸	۲۶,۵۰۰

(jewishvirtuallibrary.org)

ب) عوامل فروپاشی رژیم صهیونیستی اسرائیل

از زمانی که کوچ یهودیان صهیونیست از نقاط مختلف جهان به سرزمین فلسطین برای تأسیس حکومت اسرائیل در سرزمین موعود آغاز شد، یهودیان مهاجر از ۱۰۲ کشور جهان و با ۵۲ زبان و فرهنگ متفاوت به این سرزمین آمدند. این مسئله، جامعه اسرائیل را از حالت جامعه‌ای یکپارچه و واحد، خارج کرده و به جامعه‌ای با اجزا و بخش‌های ناهمگون و ناسازگار با یکدیگر، مبدل ساخته است و باعث اختلاف و چالش بر سر موضوعات اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و سیاست خارجی در این جامعه شده است. مهم‌ترین چالش‌های درونی رژیم صهیونیستی عبارتند از:

۱. تغییر در توازن جمعیتی به نفع فلسطینیان؛ ۲. موضوع بازگشت آوارگان فلسطینی؛
۳. مسئله حاکمیت بر بیت المقدس (قدس شریف)؛ ۴. شکل‌گیری انتفاضه در سرزمین‌های

اشغالی ۱۳۲۷/۱۹۴۸ به ویژه در کرانه باختری؛ ۵. اختلاف دیدگاه‌ها در مورد توسعه شهرک‌سازی و احداث دیوار حائل؛ ۶. شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی در جامعه اسرائیل؛ ۷. چالش‌ها و اختلافات بین صهیونیست‌های مذهبی افراطی و جریان‌های صهیونیستی سکولار.

گام سوم: شناسایی نیروهای محرک یا پیشران‌ها

نیروهای پیشران تغییرات، نیروهای بنیادینی هستند که زمینه تحقق الگوهای رویدادها را مهیا می‌کنند. به بیان روشن‌تر، این نیروهای پیشران هستند که باعث می‌شوند اتفاقات مختلفی روی دهند و شناسایی آنها مستلزم پایش، استخراج و تحلیل روندهاست. در نوشتار حاضر، نیروهای پیشران مهم عبارتند از:

۱-۳. سناریوی فروپاشی از درون

موضوع فروپاشی اسرائیل، ریشه در احساس درونی صهیونیست‌ها دارد. حتی پیش از تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین اشغالی، بسیاری از صهیونیست‌ها بر این باور بودند که رؤیای تحقق آرمان صهیونیسم، امری ناممکن است. با شعله‌ور شدن آتش انتفاضه مسجدالاقصی، برخی از مطبوعات اسرائیل، بارها از موضوع فروپاشی اسرائیل سخن گفتند. روزنامه اسرائیلی یدیعوت احرونوت (۲۷ ژانویه ۲۰۰۷/۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «برای روز مبادا، در خارج آپارتمان می‌خرند»، یکی از واقعیت‌های پنهان جامعه اسرائیل را آشکار کرد. مجله نیوزویک (۲ آوریل ۲۰۰۲/۱۳۷۸)، ضمن درج ستاره داوود روی جلد خود، این پرسش را در صفحات داخلی‌اش مطرح کرد: «آینده اسرائیل و بقای آن چگونه ممکن است؟». روزنامه یدیعوت احرونوت (۲۷ ژانویه ۲۰۰۷/۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «عقربه‌های ساعت برای دولت اسرائیل به نقطه صفر نزدیک می‌شود»، آثار متعددی از دغدغه فروپاشی اسرائیل را بیان کرد. عوامل مؤثر در فروپاشی رژیم صهیونیستی اسرائیل عبارتند از:

۳-۲. سناریوی بحران دائمی تهدیدات امنیتی اسرائیل

مفهوم تهدیدات امنیت ملی در اسرائیل از زمان شکل‌گیری تاکنون دچار تحولاتی شده است که آنها را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

الف. دوره تهدیدات کشورهای عربی (۱۹۷۹-۱۹۴۸ / ۱۳۵۸-۱۳۲۷): در این دوره، مناقشه طولانی بین اعراب و اسرائیل بر سر فلسطین به جنگ‌های سال ۱۳۲۷/۱۹۴۸، ۱۳۳۵/۱۹۵۶، ۱۳۴۶/۱۹۶۷ و ۱۳۵۲/۱۹۷۳ منجر شد. پس از چهار جنگ بزرگ که با همکاری ائتلاف اعراب علیه اسرائیل صورت گرفت و با شکست اعراب به پایان رسید، بخش‌های بیشتری از فلسطین، بلندی‌های جولان (سوریه)، صحرای سینا (مصر) و کرانه باختری (اردن) اشغال شد و سیاست‌گذاران اسرائیلی را بر آن داشت که به منظور بقای حکومت اسرائیل در دکترین نظامی خود به راهبرد بازدارندگی هسته‌ای و تسلیحات متعارف و غیر متعارف روی آورند. کشورهای مصر و اردن، با توجه به تهدیدات هسته‌ای و برتری تسلیحاتی اسرائیل و حمایت ابرقدرت‌ها از آن، به تدریج به این باور رسیدند که چاره‌ای جز صلح و پذیرش موافقت‌نامه کمپ دیوید در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ و به رسمیت شناختن اسرائیل و پایان دادن به مناقشات ندارند. بنابر این، امضای قرارداد کمپ دیوید، مصر را از عرصه رویارویی با این رژیم خارج ساخت و در کنار اسرائیل قرار داد. در نتیجه، جبهه اعراب در مقابل اسرائیل درهم شکست و دیوار مقاومت دولت‌های عربی فرو ریخت.

ب. دوره تهدیدات جبهه مقاومت (۲۰۱۵-۲۰۱۸ / ۱۳۹۴-۱۳۵۹): تغییرات جدی در دکترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی در اوایل دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ با تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان صورت گرفت. در واقع، در این دوره جدی‌ترین چالش رژیم صهیونیستی با گروه‌های مقاومت بود. این گروه‌ها با عملیات‌های چریکی و بهره‌گیری از استراتژی جنگ‌های نامتقارن در فلسطین و لبنان و تحت حمایت معنوی ایران و سوریه، به مبارزه علیه اسرائیل پرداختند. در ابتدای امر، رهبران اسرائیل اهمیت چندانی برای این گروه‌ها قائل نبودند، ولی پس از هفت جنگ ناموفق و ناتوانی ارتش قدرتمند اسرائیل که مدعی پنجمین ارتش قدرتمند جهان است، احساس ضعف کردند و آن را به عنوان تهدیدی اصلی علیه بقای

اسرائیل در قرن ۲۱ بر شمرند. مقابله برای مقاومت در برابر تهاجم‌های اسرائیل، در قالب جنگ‌های زیر بوده است:

۱. تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان (۱۳۶۱/۱۹۸۲)؛
۲. جنگ هفت روزه اسرائیل و مقاومت لبنان (۱۳۷۲/۱۹۹۳)؛
۳. جنگ شانزده روزه اسرائیل و مقاومت لبنان (۱۳۷۴/۱۹۹۶)؛
۴. جنگ سی‌وسه روزه اسرائیل و مقاومت لبنان (۱۳۸۴/۲۰۰۶)؛
۵. جنگ بیست‌ودو روزه اسرائیل با گروه‌های مقاومت در غزه (۱۳۸۷/۲۰۰۹)؛
۶. جنگ هشت روزه اسرائیل با گروه‌های مقاومت در غزه (۱۳۹۱/۲۰۱۲)؛
۷. جنگ پنجاه‌ویک روزه اسرائیل با گروه‌های مقاومت در غزه (۱۳۹۳/۲۰۱۴).

در این هفت تهاجم گسترده اسرائیل، گروه‌های مقاومت به این نتیجه رسیدند که رژیم صهیونیستی اسرائیل ضربه‌پذیر بوده و اسطوره بودن و شکست‌ناپذیری آن، به پایان رسیده است. در جنگ ۳۳ روزه، اسرائیل تحقیر شد؛ آنها نه تنها نتوانستند «حزب الله» را از بین ببرند و یا حداقل خلع سلاح کنند، بلکه در دست‌یابی به هدف تصرف جنوب لبنان تا رودخانه «لیتانی» نیز ناکام ماندند. در جنگ ۲۲ روزه نیز که بر ضد منطقه محدود و کاملاً تحت محاصره غزه روی داد، هدف اسرائیل در نابودی «حماس» و قطع موشک باران، محقق نشد.

گام چهارم: رتبه‌بندی عوامل کلیدی و نیروهای محرک

در این مرحله، طراحان سناریو تلاش می‌کنند تا عوامل کلیدی و نیروهای محرک را از نظر میزان اهمیت و توانایی بالقوه آنها برای تأثیر بر مسئله، رتبه‌بندی کنند. اغلب این کار به این منظور صورت می‌پذیرد تا از این طریق موارد معدودی که بیشترین اهمیت و بالاترین عدم قطعیت را دارند، تعیین شود. شناسایی عوامل کلیدی، نیروهای محرک و رتبه‌بندی این موارد، همگی هدف اصلی در نظریه‌پردازی هستند که موارد پیش‌رو از جمله این عوامل کلیدی می‌باشند.

۴-۱. تغییر در توازن جمعیتی

رژیم صهیونیستی توانسته، موفقیت زیادی در جذب مهاجر به فلسطین داشته باشد، اما دلایل مختلفی از جمله بالاتر بودن آمار نرخ رشد جمعیتی فلسطینی‌ها نسبت به یهودیان، موجب برهم خوردن موازنه جمعیتی به سود فلسطینی‌ها شده است. درصد رشد جمعیت یهودیان حدود ۱/۸۵ است، در حالی که آمار رشد فلسطینی‌ها به ۴/۳ درصد یعنی بیش از دو برابر رشد جمعیت یهودیان می‌رسد. مقامات اسرائیل، با ابراز نگرانی از افزایش جمعیت فلسطینیان، از این موضوع به عنوان «بمب جمعیتی» نام برده‌اند (روبروان، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶). بر این اساس، به طور مداوم از عامل جمعیت، به عنوان چالش و بحران اصلی دولت اسرائیل طی دهه‌های آینده سخن گفته می‌شود. محور و اساس نگرانی و دغدغه این افراد، برهم خوردن موازنه جمعیتی به سود فلسطینی‌ها طی دو دهه آینده و در اقلیت قرار گرفتن اسرائیلی‌ها است. این نگرانی جدی در بین سیاست‌مداران اسرائیلی و متفکران یهودی، باعث در پیش گرفتن سیاست‌های راهبردی در سطوح سیاسی و امنیتی شده است (دهقانی، ۱۳۸۷: ۵۴).

جدول شماره ۳: جمعیت اعراب و یهودیان ساکن فلسطین در سال ۲۰۵۰ / ۱۴۲۹

سال ۲۰۵۰ میلادی			جمعیت
مجموع	یهودیان	اعراب	
۱۰۰	۷۰/۶	۲۹/۴	فلسطین اشغالی (تحت حاکمیت اسرائیل)
۱۰۰	۸/۸	۹۱/۲	سرزمین فلسطین (کرانه باختری و نوار غزه)
۱۰۰	۳۷/۲	۶۲/۸	کل سرزمین فلسطین

(Israeli Central Bureau of Statistics, United Nations World Population Prospects)

۴-۲. مسئله بازگشت آوارگان فلسطینی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در قرن بیست و یکم مسئله حقوق بشر را تحت الشعاع قرار داده است و عمق مشکلات اعراب و اسرائیل را نشان می‌دهد، موضوع آوارگان فلسطینی است که تعداد آنها از پنج میلیون نفر تجاوز می‌کند و بخش عمده‌ای از آنها در اردوگاه‌های

کشورهای مختلف با وضعیت رقت‌باری زندگی می‌کنند. پس از تشکیل رژیم صهیونیستی، عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد به شرط حل دو مسئله پذیرفته شد که یکی از آنها بازگشت آوارگان به موطن اصلی خود بود. اسرائیل به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و بیش از شصت سال از آن زمان می‌گذرد، ولی هنوز آوارگان فلسطینی به وطن خود بازنگشته‌اند. مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۴۸/۱۳۲۷ اظهار داشت که پناهندگان عربی که آرزوی بازگشت به خانه‌های خود و زندگی مسالمت‌آمیز با همسایگانشان را دارند، باید در زودترین تاریخ ممکن اجازه این کار را بیابند. علاوه بر قطعنامه ۱۹۴، مجمع عمومی حدود ۴۹ قطعنامه مشابه دیگر را به تصویب رساند که می‌توان آنها را در ادامه قطعنامه ۱۹۴ دانست. با توجه به اینکه بازگشت آوارگان فلسطینی به مناطق اشغالی یا مناطق تحت حاکمیت حکومت خودگردان، با امنیت ملی اسرائیل ارتباط پیدا می‌کند و تهدیدی برای آن به شمار می‌رود، بعید است اسرائیل با بازگشت آوارگان موافقت کند.

۳-۴. انتفاضه مسلحانه در کرانه باختری

در اصطلاح فرهنگ سیاسی امروز جنوب غرب آسیا (خاورمیانه)، انتفاضه به نبرد نابرابر فلسطینیان با نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی گفته می‌شود که با اتکا به خدا و با دست‌ان خالی، تسلیحات و تجهیزات رژیم صهیونیستی را از تأثیر انداخته و آن را زمین‌گیر کرده‌اند (المسیری، ۱۳۷۹: ۳۰). از نظر سیاسی و اجتماعی، انتفاضه عبارت است از عملکرد مستمر معترضان مردم فلسطین در برابر رژیم اسرائیل. بدیهی است که عامل تعیین‌کننده در انتفاضه، حضور آگاهانه و عملی مردم است و اگر حضور مردم را از آن حذف کنیم، قیام مفهومی نخواهد داشت. تاکنون دو انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی شکل گرفته که عبارتند از: انتفاضه اول: انتفاضه‌ای که در سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ از غزه سر برآورده و تا سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ادامه پیدا کرد و به نام «انتفاضه بزرگ» شهرت یافت. حرکت انتفاضه اول، اعتراض مردمی به اشغال سرزمین فلسطین بود.

انتفاضه دوم: انتفاضه مسجدالاقصی که در سال ۱۳۷۹/۲۰۰۰ از بیت‌المقدس آغاز شد. آریل شارون^۱ - نخست‌وزیر وقت اسرائیل - (متولد ۱۳۰۷/۱۹۲۸) همراه با تی چند از مقامات رژیم صهیونیستی در میان سه‌هزار نیروی مسلح وارد مسجدالاقصی شدند. پیش از این، هیچ‌یک از رهبران رژیم صهیونیستی به خود اجازه ورود به صحن مسجدالاقصی را نداده بود. در پی آن، اعتراض مسلمانان حاضر در مسجد بلند می‌شود و درگیری بین نظامیان صهیونیستی و مردم صورت می‌پذیرد که منجر به شلیک نظامیان به سوی مسلمانان شد. در این نبرد، سلاح انتفاضه کنندگان، سنگ و کوکتل مولوتوف و موشک‌های قسام^۱ و ۲ بوده است (صفتاج، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۵). از آثار و نتایج انتفاضه می‌توان به این موارد اشاره کرد: افزایش همبستگی ملی میان گروه‌های فلسطینی؛ ایجاد بحران سیاسی - اقتصادی در اسرائیل؛ انتقال خطر از سرزمین‌های فلسطین اشغالی به قلب حکومت نظامی رژیم صهیونیستی (همان: ۲۳۷)؛ ایجاد تحرک و تحول در اعراب مقیم در اراضی اشغالی قبل از سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

گام پنجم: ایجاد فضای منطقی برای سناریوها

در تحقیقات سناریو نویسی امروز، نتیجه رتبه‌بندی بیشتر بر روی دو محور قرار داده می‌شود و سناریوهای نهایی بر اساس آنها شکل می‌گیرند. هدف این مرحله، شناسایی متغیرهایی است که ممکن است مفاهیم جدیدی را بیافرینند یا مفاهیم گذشته را به چالش بکشانند. همچنین پیرامون مسیرهای بالقوه اقدام بررسی می‌شود تا سرانجام، این روابط در مرحله سناریو نویسی توصیف شوند. از این رو، در سناریو‌هایی که مقاله حاضر به دست آورده، دو عامل کلیدی که واجد شاخص‌های گفته شده باشند، عبارتند از:

۱-۵. دیدگاه مقام معظم رهبری، در ارتباط با مسئله فلسطین

دیدگاه اول: برگزاری همه‌پرسی برای تعیین نظام سیاسی حاکم در یک کشور مستقل که در آن، همه ادیان اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

این دیدگاه در راستای حل و فصل مسالمت‌آمیز و کاملاً دموکراتیک بحران ۶۷ ساله اعراب و اسرائیل پیشنهاد شده است. در این دیدگاه، بر ضرورت حفظ انسجام و یکپارچگی فلسطین از نهر تا بحر و مشارکت همه سکنه فلسطین بر مبنای حق تعیین سرنوشت، تأکید شده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۱).

دیدگاه دوم: تسلیح کرانه باختری به دلیل امتناع اسرائیل از پیشنهاد اول و تداوم سیاست‌های توسعه‌طلبانه، جنگ افروزانه و نسل‌کشی مسلمانان در فلسطین، محاصره نوار غزه و تحمیل جنگ‌های متعدد علیه آنان. تسلیح کرانه باختری به منظور دفاع مشروع علیه سیاست‌های نظامی‌گرایانه و جنایات جنگی اسرائیل بوده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۱).

گام ششم: تدوین جزئیات سناریو پیشنهادی

در این مرحله فرآیند نوشتن نهایی سناریوها آغاز می‌شود. توسعه جزئیات سناریو، روابط میان متغیرهای کلیدی موجود در داستان را پردازش می‌کند و گاه در برخی رویکردها، حدسیات مبتنی بر احتمال‌پذیری سناریو را مطرح می‌سازد. هر سناریو، هنگامی که با جزئیات کامل تدوین شد، زمینه اندیشه پیرامون آینده را فراهم می‌کند.

۱-۶. سناریوی برگزاری همه‌پرسی عمومی

حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی، یک حق طبیعی و از قواعد آمره در حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید. همه افراد از هر قوم و نژاد و یا گرایش‌های مختلف فکری، سیاسی و از تمام طبقات اقتصادی و اجتماعی، حق مشارکت در همه‌پرسی و تعیین سرنوشت خود را دارند. بر این اساس، مقام معظم رهبری، به منظور حل بحران فلسطین، دیدگاه خود را مبنی بر ضرورت برگزاری همه‌پرسی برای تعیین نظام سیاسی مورد پذیرش همه ساکنان فلسطین، مطرح کرده‌اند و این دیدگاه به موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در مسئله فلسطین تبدیل شده است. ایشان در این زمینه فرموده‌اند:

ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد می‌کنیم و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر

سازمان‌های بین‌المللی را؛ ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد، سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه مردم اصلی فلسطین از مسلمان و مسیحی و یهودی، نه مهاجران بیگانه، در یک همه‌پرسی عمومی شرکت کنند و نظام آینده فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده از آن پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را به درستی درک می‌کند و می‌تواند از حمایت ملت‌ها و دولت‌های مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به آسانی به آن تن در دهند و اینجا است که نقش دولت‌ها و ملت‌ها و سازمان‌های مقاومت شکل می‌گیرد و معنی می‌یابد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۹).

در این پیشنهاد، چند نکته مهم مستتر است:

۱. راه حل ارائه شده، عادلانه و مبتنی بر حق تعیین سرنوشت، به عنوان یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل است؛

۲. در همه‌پرسی، همه فلسطینی‌ها چه ساکنان کنونی آن و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب می‌کنند.

۲-۶. سناریوی تسلیح کرانه باختری

تسلیح کرانه باختری، به دلیل حق دفاع مشروع ملت زیر سلطه رژیم اشغال‌گر اسرائیل است و دیدگاه مقام معظم رهبری نیز در این رابطه نظر به تحقق این حق دارد. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

بنده عقیده‌ام این است، این اعتقاد ماست که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطین‌اند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت از همین است که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی بکنند؛ و الا با برخورد رام و مطیع و سازش کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت و از خشونت این موجود خشن و خبیث و گرگ‌صفت چیزی کاسته نخواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۱).

گام هفتم: شناسایی پیامدهای سناریوهای پیشنهادی

در این گام، سناریوها بازبینی و ارزیابی و گاه با مدل‌سازی (هرچند به صورت آزمایش ذهنی) اجرا می‌شوند تا سنجشی از آنها صورت گیرد و به ویژه پیشنهادهای برای تصمیمات و اقدام مطرح شود.

۱-۷. ابعاد حقوقی

حق دفاع مشروع ملت تحت سلطه فلسطین، مورد پذیرش حقوق بین‌الملل است. در واقع، با توجه به اینکه بر اساس قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از جمله قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، مصوب ۲۲ نوامبر ۱۳۴۶/۱۹۶۷ مناطق اشغالی جنگ ۱۳۴۶/۱۹۶۷ از جمله کرانه باختری به عنوان سرزمین اشغالی به حساب آمده است، در حقوق بین‌الملل، بر اساس دو مورد زیر می‌توان به حق دفاع مشروع ملت فلسطین تحت سلطه رژیم اشغال‌گر اسرائیل، استناد کرد:

۱. قطعنامه شماره ۲۹/۴۴ سال ۱۳۶۷/۱۹۸۹ مجمع عمومی، ضمن اشاره به حق غیرقابل نقض تعیین سرنوشت و استقلال همه مردمانی که تحت استعمار و رژیم‌های نژادپرست و دیگر اشکال سلطه بیگانگان و اشغال خارجی به سر می‌برند، مشروعیت مبارزات آنان، به ویژه مبارزه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی را تأیید می‌کند.

۲. در کنوانسیون مربوط به ملل تحت اشغال یا حقوق دولت‌های اشغال‌گر یا مسئولیت‌های دولت‌های اشغال‌گر، در خصوص مردم یا سرزمین تحت اشغال به این دو حق اساسی مردم فلسطین تصریح شده است. به بیان دیگر، مردمی که کشورشان توسط یک کشور اشغال‌گر یا نیروهای اشغال‌گر مورد تجاوز و اشغال قرار می‌گیرد، حق دارند از همه وسایل ممکن برای نجات از شرایط اشغال و بیرون شدن از سیطره اشغال‌گر و رفع هرگونه تجاوز استفاده کنند. در این کنوانسیون، تصریح می‌شود که دیگر کشورها و دیگر ملل هم حق دارند به این مردم تحت اشغال، همه‌گونه کمک لازم برای رفع تجاوز و اشغال‌گری را انجام دهند.

۲-۷. موقعیت استراتژیک کرانه باختری

کرانه باختری رود اردن حدود ۵۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و حدود دومیلیون و هشتصد هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است و در منطقه مهم و استراتژیک مرکزی فلسطین قرار دارد و دارای ۱۴۰ کیلومتر مرز با اردن است. این منطقه تا سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ تحت حاکمیت اردن قرار داشت و متعلق به اردن بوده است. اسرائیل در جریان جنگ ۱۳۴۶/۱۹۶۷ با اعراب، مناطق جبل‌الشیخ و جولان سوریه و منطقه صحرای سینای مصر و کرانه باختری رود اردن را اشغال کرد. هم‌اینک، حدود ۸۵ درصد جمعیت این منطقه به شهروندان فلسطینی اختصاص داشته و مابقی در تصرف اشغال‌گران صهیونیست است. طبق توافق صورت گرفته در قاهره که به قرارداد «اسلو ۲» معروف است، کرانه باختری و نوار غزه به سه بخش «الف»، «ب» و «ج» تقسیم شد. منطقه «الف» تحت حاکمیت کامل حکومت خودگردان قرار گرفت و منطقه «ب» از نظر امنیتی زیر نظر رژیم صهیونیستی باقی ماند، اما امور غیرنظامی و غیرامنیتی آن در اختیار حکومت خودگردان گذاشته شد. منطقه «ج» شامل آن دسته از شهرهای کرانه باختری می‌شود که به لحاظ اداری و امنیتی زیر نظر رژیم صهیونیستی است و حدود ۶۰ درصد وسعت کرانه باختری را در بر می‌گیرد. یکی از مزیت‌های کرانه باختری این است که به جمعیت پنج میلیونی آوران فلسطینی که در اردن زندگی می‌کنند نیز متصل است که جمع این دوگروه از فلسطینیان می‌تواند وضعیت جدیدی را به وجود آورد.

۳-۷. بازتاب تسلیح کرانه باختری

مقامات رژیم صهیونیستی پس از طرح دیدگاه مقام معظم رهبری، مضطرب و نگران از آینده رژیم صهیونیستی، بر این باورند که این مسئله، ارتش اسرائیل را بیش از پیش دچار مشکل خواهد کرد. ایده رهبر معظم انقلاب مبنی بر مسلح کردن کرانه باختری، نشانه درک عمیق ایشان از مسئله نبرد بین ملت فلسطین و رژیم اشغال‌گر صهیونیستی است؛ چراکه کرانه باختری عمق استراتژیک رویارویی با این رژیم است. پایگاه خبری القدس العربی در مطلبی با تیتراژ «رهبر ایران، (آیت الله) خامنه‌ای دعوت به مسلح کردن فلسطینیان می‌کند»، می‌نویسد: «رهبر ایران، اسرائیل را به دلیل حمله به نوار غزه با عبارت سگ‌ها توصیف کرده و از مسلمانان جهان خواسته است تا فلسطینیان را برای دست یافتن به توانایی مواجهه با کشتار دسته‌جمعی مسلح کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۲).

۴-۷. تأثیر تسلیح کرانه باختری بر معادلات قدرت در منطقه

کرانه باختری به لحاظ جغرافیایی نسبت به قدس شریف سه کیلومتر و نسبت به تل‌آویو تنها ۱۰ کیلومتر فاصله دارد و کشور اردن نیز در همسایگی آن قرار دارد و بدین ترتیب، شاه‌راهی میان سه منطقه فلسطین، رژیم صهیونیستی و اردن محسوب می‌شود. با در نظر گرفتن این موضوع، در جنگ غزه و رژیم صهیونیستی از طریق ابتکار عمل نظامی حماس، ده‌ها کیلومتر تونل حفر شده است. اگر همین تونل‌ها بین کرانه باختری و رژیم صهیونیستی حفر شود، اسرائیل در آستانه نابودی قرار خواهد گرفت. علاوه بر اینکه کرانه باختری دارای ۲/۸ میلیون نفر جمعیت است و انتقال مقاومت مسلحانه به کرانه باختری، یعنی فروپاشی رژیم صهیونیستی و این، همان نکته مهم در تجهیز مسلحانه کرانه باختری است.

در رابطه با تسلیح کرانه باختری، توجه به چند نکته ضروری است:

۱. تسلیح کرانه باختری به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک آن در عمق اسرائیل به عنوان منطقه‌ای حائل میان مناطق امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی، تل‌آویو و مناطق شرقی و بسیاری از مناطق اصلی در اسرائیل، می‌تواند نقش مؤثری در مقابله با سیاست‌های

توسعه‌طلبانه اسرائیل و در نهایت، فروپاشی این رژیم داشته باشد. در واقع، با توجه به اینکه جمعیت قابل توجهی از اسرائیلی‌ها در کرانه باختری زندگی می‌کنند، مسلماً مسلح شدن مردم کرانه باختری قدرت بازدارندگی را برای ملت فلسطین علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه اسرائیل به وجود می‌آورد. از سوی دیگر، تسلیح کرانه باختری، دسترسی مقاومت به جزئی‌ترین مناطق قدرت رژیم صهیونیستی را امکان‌پذیر می‌کند؛ به طوری که اگر نابلس، رام‌الله، بیت‌لحم و بیت‌المقدس شرقی بتوانند از توانایی‌های دفاعی مقاومت بهره‌مند شوند، با موشک‌هایی با برد کمتر از پنجاه کیلومتر، قادر به هدف قرار دادن تمام نقاط راهبردی این رژیم و با موشک‌هایی با برد کمتر از ۱۰ کیلومتر قادر به ناامن کردن فرودگاه بن‌گورین خواهند بود. بنابراین، تسلیح کرانه باختری به سادگی می‌تواند حیاتی‌ترین مناطق رژیم صهیونیستی را در دسترس ساده‌ترین امکانات دفاعی و مقاومتی فلسطینیان قرار دهد. از این رو است که مسلح شدن کرانه باختری و تأثیرگذاری آن در معادله قدرت و ایجاد بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی بسیار مؤثرتر و کارآمدتر از توانایی‌های مقاومت در غزه است.

۲. طرح تسلیح کرانه باختری در شرایطی مطرح شده که زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن نیز فراهم شده است؛ به گونه‌ای که از یک‌سو، مردم فلسطین از مذاکرات بی‌نتیجه روند صلح و حتی درخواست‌های مکرر در سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی دلسرد شده‌اند و در مقابل آن، پیروزی‌های مکرر مقاومت در برابر اسرائیل را مشاهده کرده‌اند و پس از جنگ ۵۱ روزه غزه، همدلی میان فلسطینیان این منطقه و مردم غزه نیز تشدید شده است.

۳. با توجه به وجود خطر بالقوه گروه‌های مقاومت غزه در جنوب و حزب‌الله لبنان در شمال، قدرت نظامی اسرائیل هم تفکیک شده و درگیر شدن صهیونیست‌ها در جبهه سوم، یعنی کرانه باختری رود اردن می‌تواند شرایط رژیم صهیونیستی را کاملاً دگرگون کند.

۴. کرانه باختری، ظرفیت بسیار گسترده‌تری نسبت به باریکه غزه دارد. سازمان ملل، «قدس» را منطقه بین‌المللی اعلام کرده، اما صهیونیست‌ها این قاعده را نقض کردند و بر بخش غربی آن، کاملاً سیطره دارند و در بخش شرقی نیز در حال گسترش شهرک‌سازی‌های

خود هستند؛ ولی به هر حال، قدس ظرفیت بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد و اگر اقدامی در آنجا صورت بگیرد، بیش از غزه می‌تواند عواطف مسلمانان را به خود جلب کند.

۵. مسلح شدن کرانه باختری به معنای شمارش معکوس نابودی رژیم صهیونیستی است؛ زیرا صهیونیست‌هایی که از سراسر دنیا با وعده امنیت و شرایط اقتصادی مناسب به این سرزمین آمده‌اند، وقتی شرایط را معکوس و وارونه ببینند به کشورهای خود باز می‌گردند و به خودی خود رژیم صهیونیستی دچار فروپاشی از درون خواهد شد؛ لذا مسلح شدن مردم کرانه باختری یک نقطه عطف و به عنوان سرآغازی برای پایان رژیم صهیونیستی است (پرنیدن، ۱۳۹۳: ۲۱).

نتیجه

آینده‌پژوهی، با تشخیص فرصت‌ها و تهدیدهای آینده، آمادگی ما را در رویارویی با تحولات پیش رو افزایش می‌دهد و توان بهره‌وری از فرصت‌های آینده را تقویت می‌کند. مسلماً برای هر کشوری، آینده‌پژوهی مسائل فراروی دوستان و دشمنان آن بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از حوادث و رویدادهای آینده قابل پیش‌بینی و انقیاد هستند و دخالت انسان در این روند، موجبات تغییر و تحولات مطلوب را ایجاد خواهد کرد. بدین منظور، با توجه به جایگاه رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران، در این نوشتار با استفاده از نظریات آینده‌پژوهی، تأثیر دیدگاه پیشنهادی مقام معظم رهبری (مبنی بر تسلیح کرانه باختری و برگزاری همه‌پرسی) بر آینده رژیم صهیونیستی بررسی شده و با استفاده از شیوه سناریوپردازی بر اساس رویکرد پیتر شوارتز ضمن دسته‌بندی و بررسی مسئله در چارچوب هفت‌گام، به عوامل مؤثر در بقا و فروپاشی اسرائیل پرداخته شده است. در این میان، عواملی مانند: ۱. سناریوی قدرت برتر نظامی منطقه؛ ۲. سناریوی صلح؛ ۳. سناریوی هولوکاست؛ ۴. سناریوی ایران‌هراسی؛ ۵. سناریوی حمایت و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ؛ ۶. سناریوی توسعه‌طلبی اراضی اسرائیل؛ ۷. سناریوی تشویق یهودیان جهان برای مهاجرت به فلسطین، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بقای اسرائیل به شمار می‌آید. همچنین عواملی مانند: ۱. سناریوی فروپاشی از درون؛ ۲. سناریوی بحران دائمی امنیت، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در فروپاشی اسرائیل به حساب می‌آیند. تجزیه و تحلیل صورت گرفته

در این مقاله درگام چهارم که رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر است نگارنده را به سوی سه مورد از عوامل فروپاشی از درون به عنوان اصلی‌ترین تهدید امنیتی اسرائیل طی دهه‌های آینده، سوق داده است که عبارتند از: ۱. برهم خوردن توازن جمعیتی؛ ۲. بازگشت آوارگان فلسطینی؛ ۳. انتفاضه مسلحانه در کرانه باختری.

تسلیح کرانه باختری در شرایطی مطرح شده که از یک‌سو، مردم فلسطین از مذاکرات بی‌نتیجه روند صلح و تشکیل دولت مستقل فلسطینی دلسرد شده‌اند و در مقابل آن، پیروزی‌های مکرر مقاومت در برابر اسرائیل را مشاهده کرده‌اند. تمایل فلسطینیان به راهبرد مقاومت، پس از عدم موفقیت ارتش اسرائیل در تجاوز سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ به غزه، مشوقی برای پناه بردن به گزینه مقاومت از سوی فلسطینیان شده است. مسلح شدن کرانه باختری به معنای شمارش معکوس نابودی رژیم صهیونیستی است؛ چراکه شهرک‌نشینان صهیونیستی که از سراسر دنیا و از کشورهای دیگر با وعده امنیت و شرایط اقتصادی مناسب به این سرزمین آمده‌اند، وقتی شرایط را معکوس و وارونه ببینند به کشورهای خود باز می‌گردند و به خودی خود، رژیم صهیونیستی دچار فروپاشی از درون خواهد شد؛ لذا مسلح شدن فلسطینیان در کرانه باختری یک نقطه عطف و به عنوان سرآغازی برای پایان رژیم صهیونیستی است. طرح این دو دیدگاه راهبردی از سوی مقام معظم رهبری (برگزاری انتخابات و تسلیح کرانه باختری) برای حل بحران فلسطین در تقابل با طرح‌های دولت‌های غربی و عربی است. طرح پیشنهادی این دولت‌ها، اغلب در راستای حفظ امنیت و بقای رژیم صهیونیستی مطرح شده است، ولی دیدگاه مقام معظم رهبری مبنی بر برگزاری همه‌پرسی از همه ساکنان و آوارگان فلسطین و مسلح شدن کرانه باختری را می‌توان مؤثرترین راهکار موجود در حل بحران فلسطین و البته آغازی بر شمارش معکوس نابودی رژیم صهیونیستی دانست.

کتابنامه

احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- المیسری، عبدالوهاب (۱۳۷۹). بحث امنیتی اسرائیل: مبانی نظری و ملاحظات عملی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، مطالعات منطقه‌ای، ج ۵.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱ و ۱۹.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۰). پنجمین اجلاس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۹ مهر.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۳). دیدار با دانشجویان، ۱ مرداد ۱۳۹۳.
- پرن‌دین، لطف‌الله (۱۳۹۳). «فلسطین؛ نابودی یا مقاومت؟ فرصت‌های تسلیح کرانه باختری»، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان.
- پیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر روحانی، تهران، مؤسسه کیهان.
- دهقانی، محمود (۱۳۸۷). تأثیر عوامل جمعیتی و شرایط محیطی بر راهبردهای سیاسی - امنیتی اسرائیل، تهران، گزارش راهبردی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه.
- رویوران، حسین (۱۳۸۷). ویژه‌نامه فلسطین، ابعاد و چشم اندازه‌ها، تهران، جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- صفتاج، مجید (۱۳۸۱). انتفاضه الاقصی، بی‌جا، انتشارات دفاع از ملت فلسطین.
- کیقبادی، مرضیه (۱۳۹۳). نقش سناریوها در آینده‌پژوهی، تهران، دفتر سازمان ملل متحد.
- کریمیان، احمد (۱۳۸۶). یهود و صهیونیسم، تهران، بوستان کتاب.
- گارودی، روزه (۱۳۷۵). تاریخ یک ارتداد؛ اسطوره‌های بنیانگذاری سیاست اسرائیل، ترجمه مجید شریف، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا.
- لطفیان، سعیده (۱۳۷۸). «سیاست امنیت ملی اسرائیل: فرضیه‌ها و تحلیل‌ها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره یک، بهار ۱۳۷۸، ص ۳۷-۴۵.
- ملکی‌فر، عقیل (۱۳۸۵). *الفبای آینده‌پژوهی*، تهران، کرانه علم.
- منطقی، محسن (۱۳۹۰). «آینده‌پژوهی، ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی»، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱، ص ۲۵-۴۳.
۱۶. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۶). جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.